

## پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثور و کودتاهای بعدی...)

برگردان: خلیل

11 -

### اتخاذ تصمیمات نظامی

داده ها و شده ی شوروی تقریباً حاوی هیچ چیزی بخصوصی در رابطه به تصمیم فرستادن نیروهای زمینی (به افغانستان) نمی باشند. ( ) با ارزشی که توجه بسیاری را در سالیان اخیر بخود جلب کرده عبارت از یک یادداشتی دست نویس ساده، مؤرخ **قطعه نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه به وضعیت در A**. در متن مکمل چنین آمده است:

. ارزیابی های تائید شده و اقدامات انجام شده توسط یو. و اندروپوف؛ د. ف. یوستینوف؛ و آ. آ. گرومیکو. صلاحیت دادن ه آنها برای وارد کردن تجدید نظر دارای ویژگی های غیر- بنیادی در مسیر تطبیق این اقدامات.

مسایل در رابطه به تصمیم کمیته مرکزی بایست بطور تأخیر ناپذیر به بیروی سیاسی محول شوند.

اجرای همه این اقدامات بایست به عهده رفقا اندروپوف، یوستینوف، و میکو محول شوند.

. رفقای برگماشته شده اندروپوف، یوستینوف، می باید بیروی سیاسی را از وضعیت تطبیق اقدامات نگهدارند. [151](#)

این سند دارای امضاهای اعضای نه گانه بیروی سیاسی است که بطور اریب از یک طرف به طرف دیگر کاغذ گذاشته شده اند، همه در یک تاریخ دسمبر. امضاهای اضافی با تاریخ های دیرتر دسمبر (نیز) در پائین سند دیده می شوند. در مورد عرض وجود کردن این یادداشت و (توالی) ای که طی آن بعضی امضاها ارزیابی های متفاوتی ارائه شده اند. با اینکه، همه ارزیابی ها بریک نقطه اساسی توافق دارند که این یادداشت با مشورت ، گرومیکو، و یوستینوف، توسط چرننکو تسوید شده بود، کسی که ( ) ای بریژنیف را گرفت. بریژنیف، در آن زمان توسط بعضی شاهدان یک وضعیت لرزان و توصیف شده بود، که قرار شایعات بعد از توضیحات تحریف شده توسط اندروپوف و همراهانش در باره وضعیت در افغانستان امضایش را به طور بدی در زیر (به اصطلاح - کرد). راجع به تفاوت های عمده در ذکر این از جمله در حین امضای سایر اعضای بیروی سیاسی بر آن گفته می شد. وقتی بریژنیف آن را امضا کرد و سایرین می گفتند که بعداً امضا می کنند. [152](#)



نقشه تقریبی ورود ارتش سرخ به افغانستان (تزنینی)

شواهد اخیر چشم انداز نسبتاً متفاوتی را ارایه می نمایند. یک تن از ستاد کل شوروی آن زمان گفت که اندروپوف و یوستینوف تأیید شفاهی بریژنیف را در مورد پلان دخالت طی یک اجلاسی با او به تاریخ آوردند. دوبرینین سفیر سابق شوروی (در امریکا) اساساً عین چیز را می گوید. او قادر نبود تا تاریخی برای آن ملاقاتی معین نماید که طی آن این کار صورت گرفت، اما تصدیق کرد که در اوایل دسمبر بود، که یقیناً توسط اطلاعیه اندروپوف حمایت شده می نماید که شمایی (نقشه ای) را برای استفاده از عساکر شوروی غرض یاری برای توسط پرچم ارایه داد. دوبرینین ادعا دارد که گرومیکو نیز حاضر بود. بقول دوبرینین، این بریژنیف بود که هدایت داد پیشنهادات به اجلاس وسیع تر بیروی سیاسی ارایه <sup>153</sup>.

همه این کارها این برداشت را تقویت می نماید که جلسه دسمبر و یادداشت دست نویس (همگی) صورت سرسری- فرمولیته (*pro forma*) کارهائی بودند برای مهر گذاشتن زیر "تصمیم جمعی" روی یک پروسه ای که از درحالت اجرایی قرار داشت. تا زمان تسوید این یادداشت و امضای آن، جامعه استخباراتی ایالات متحده گردان تفنگ دار موتوریزه ای را در بگرام کشف کرده بود که بعداً (همین گردان) گردنه سالنگ را برای عبور نیروهای شوروی به کابل تأمین امنیت کرد. نخستین از دو گردان هوایرد اضافی وارد معرکه شده، و به تعداد نامعلومی نیروهای خاص به کابل رخنه کرده بودند. اندروپوف قبلاً بریژنیف را از نقشه عملی برای فراهم نمودن نیروها حمایت از ایجاد یک حکومت جدید توسط جناح پرچم مطلع کرده بود.

قلت اسناد رسمی از دوره ای که منجر به مداخله نظامی گردید، اکثریت آنچه که امروز راجع به تصمیم گیری شوروی در مورد این عملیات درک می شوند از ارزیابی های شگفت کننده کت کنندگان سیاسی یا نظامی (ان عملیات) گرفته شده اند. تعداد زیاد شان مصاحبه داده، مقالاتی نوشته یا در نوشتن ت و کتابها راجع به این موضوع سهم گرفته اند. ریزه کاری این ارزیابی ها تفسیرهای دلفریبی ارایه می دارند به استثنای اندک شان که بدون نقطه نظراند. معهذاً، حتی با اذعان به یک سطح معینی مقصد تیرئه آمیز، شواهد واضحاً قانع کننده اند که پلان گذاری و تصمیم گیری عمدتاً در اتاقتک ها توسط یک گروپ کوچک (متشکل) از اندروپوف، یوستینوف و گرومیکو انجام گرفتند؛ که هر کدام شان مدافع موضوعی درجهت تأثیر گذاری به یک یا دیگری بودند، و چنان می نماید که این تلا (گیرو دار) یوستینوف کمترین و حمایت را داشته است. <sup>154</sup>

مداخله نظامی ای که در هفته اخیر ماه دسمبر یادی ای بود که یوستینوف در ماه مارچ کلاً طرح کرده بود، به اضافه یک عملیات مخفی برای نصب رژیم جدید. گزارشهای استخباراتی از طبقه بندی بیرون شده نشان میدهند که آماده سازی نیروها برای اجرای این پلان اصلی با مداومت مگر با آزر و تواضع در طی تابستان و خزان ادامه یافته، و نتیجه معکوس بار رای برکناری امین با صراحت تشدید گردید. (وضعیت نظامی) فرقه هوایرد مستقر در نزدیکی سرحد به یک سطحی آمادگی بلند برده شده، و واحدهای هوایی از غرب (اتحاد شوروی) به ساحاتی منتقل شدند که می توانستند با سرعت بیشتری جایجا گردند. همه آن چیزها نشان دهنده آن بودند که گزینه نظامی در افغانستان طوریکه بطور عام ادعا می شود، کاملاً از روی میز کنار گذاشته نه شده بود.



قبرستان وسایط زرهی شوروی در پشته سرخ

آماده گی های نظامی ثبت شده توسط استخبارات ایالات متحده نمونه ای خوبی بدست میدهد که مقامات شوروی ای که در عقب دخالت نظامی قرار داشتند حتی قبل از آنکه وارد یک فرایند تصمیم گیری رسمی سیاسی شوند پلان عملیاتی شان را آماده کرده بودند. بعضی منابع نظامی شوروی گفتند که هنوز که یوستینوف دستور احضار کامل احتیاط ها را برای به حالت کامل آمادگی در آوردن دو فرقه نیروهای زمینی هدایت داد. این با آنچه که استخبارات شاهد بوده معهدا هر دو فرقه دست کم از آخرین هفته ماه نوامبر در یک وضعیت بسیج قسمی قرار داشتند. ( ) از طبقه بندی بیرون شده ایالات متحده تأیید می نمایند که دو گردان رزمی، به شمول یک گردان تفنگ دار موتوریزه، قبلاً به تاریخ دسمبر به بگرام منتقل شده بودند، و یک تعداد نا معلوم عساکر نیروهای خاص از قبل در کابل بودند.

تیم اندروپوف- گرومیکو - یوستینوف ظاهراً فرض کرده بود که آنها قادر خواهند بود تا موافقت بریزنی -  
 ۱ این (کار) سایرین ناگزیر می شوند تا برآن امضا بگذارند. چنان می نماید جلسه  
 ( ) تعداد زیادی از واحدهای قبلاً پیشروی کرده وارد افغانستان شده بودند،  
 فرقه های زمینی ای که قرار بود تا بکار ۴ طی اندک روزهایی به  
 آمادگی کامل درآیند، و رئیس حزب (کمونیست)، وزیر دفاع و وزیر خارجه، و رئیس کی جی بی همه توافق کردند که این  
 (دخالت نظامی) بایست انجام شود. <sup>155</sup>

به تاریخ دسمبر، دو روز بعد از امضای یاد داشت دست نویس، مارشال اخرامیوف به ترمز میر د تا فرماندهی عملیات  
 را در دست گیرد. روز دیگر، استخبارات فرقه کنون بطور کامل بسیج شده که ترک  
 مشاهده و به سوی سرحد رهسپار بود. سه ازان، به تاریخ دسمبر، یک تیمی از ستاد فرماندهی اخرامیوف به  
 میدان هوایی بگرام رسید. (آماده سازی این میدان هوایی به حیث میدان قراولگاه فرماندهی عملیات جلو احتمالاً یک عام  
 کلیدی برای رخنه دادن (وارد کردن) های اضافی رزمی در هفته های پیشین بود.) درست روز دیگر بود که استخبارات  
 فرقه دیگری را در ناحیه نظامی ترکستان رد یابی کرد که حال ترک قرارگاههای شان بو ، و کانتینر های متحرک مواد  
 در نزدیکی گذرگاههای نقاط سرحدی کشف گردید .

و این یعنی که دی سی آی (DCI) یک اطلاعیه اعلام خطر را فرستاد دایر بر  
 این که "تجمع (نظامی).... در نزدیکی سرحد شوروی- افغان حاکی از آن است که افزایش بیشتر در اینجا به زودی محتمل  
 می نماید و اینکه شاید آمادگی های خیلی بیشتر برای تقویت بالقوه در دست انجام باشند".



آمنن قوای شوروی مردم عادی را با سلاح و وسایط نظامی به قدری بلد ساخت که حتی مجالس جای خوری و قصه های شان را در کنار وسایط تخریب شده برگزار می کردند.

## توقعات استخباراتی در برابر واقعیات

دخالت نظامی ای که شوروی هادرفته اخیر 1979 - بخصوص زمان بندی و هدف آن- برای جامعه  
 استخباراتی بطور خاص و برای مقامات پالیسی ساز ایالات متحده به طور عام یک عمل غیر (غافلگیرانه) این  
 مسئله در ارزیابی های عطف به گذشته ی خودی (درونی) جامعه استخباراتی تصدیق شده بود، که در پاسخ به یک خواهشی  
 از سوی شورای امنیت ملی بعد تهیه گردید که اعضای هیئت (NSC) تشویش شان را روی وسعتی ابراز کردند که این

حرکت شوروی پیش بینی نه شده مانده بود. این مورد، حد اکثر، فقط اندک استثنائاتی مبنی بر اینکه احتمال ادامه وارد سازی نیروهای نظامی شوروی در جوبه های کوچکی (یک جهت) برای افزایش امنیت پرسنل شوروی و (از جهت دیگر) برای کمک به رژیم کابل در تأمین قدرتش خواهد بود. این نظریه حتی در بعد از آغاز انتقالات هوایی در آستانه کریسمس به حاکم بودنش ادامه داد. تا وقتی 28 دسمبر نه شده بود - ( ) بعد از آگاهی از برکناری امین و عبور دو فرقه از سرحد بود که - گزارش دهی یومیه استخباراتی تصدیق نمود که دخالت نظامی - مقیاس وسیع در دست اجرا می باشد. 156

علت این کار عدم موجودیت معلومات استخباراتی راجع به تدارکات شوروی برای این حرکت نه . (بلکه) این بخاطری بود که عملیات تدارک عکس آن چیزی بود که تحلیل گران استخباراتی که مسکو شاید خواهان انجامش باشد. همه واحد هایی که نیروی اشغالگر را تشکیل میدادند در طی ماه های گذشته در حال ازدیاد آمادگی شان مشاهده شده بودند. دو فرقه نزدیک ترین به سرحد افغان نیروی زمینی شوروی آمادگی های شان را در ماه مارچ آغاز کرده بودند، دیگر در تابستان و خزان حین اجرای چنین کاری مشاهده شدند. در نیمه دوم ماه اکتبر، هر دو این فرقه ها بار دیگر در سطح فعالیت غیر عادی مشاهده شدند. تا به این زمان، دست کم یکی دیگر از فرقه های نیروی زمینی در آن ساحه، هر چند با تکرر کمتر، نیز مصروف فعالیت مشابه دیده شد. ماه نوامبر، واحد های نیروی زمینی به حالتی برگشتند که وضعیت علوم می شد، اما در آخرین هفته این ماه (ناگهان) فرقه نزدیک ترین به سرحد بسیج قسمی شان را . در بیشترین مدت این زمان، فرقه هوای شوروی در عین ساحه در - - آمادگی نگه داشته شد .

همه ی این (فاکت ها) برای فکر کردن به اینکه وارد سازی حدود سه فرقه (در کل با حدود 30000 35000 عسکر) کافی نبود، دست کم یک گزینه ای بود که شوروی ها شاید دارند آماده می شوند، (در حالیکه) علایم بیشتری نیز زمینیه گردان رزمی اضافی و یک تعداد واحد های نیروی خاص در هفته اول ماه دسمبر، و یک گردان هوا برد دیگر اندک روز هائی دیرتر ( ) داخل افغانستان شدند. ارسال در شکل تعداد کوچک واحد های پیش قراول برای در دست گرفتن کنترول پای تخت و سایر مراکز کلیدی یک سناریوی عملیاتی ای بود که قبلاً در سال 1968 در طی اشغال چکو - سلواکیا توسط شوروی مشاهده شده بود.

در زمانی که این فعالیت ها مشاهده می شدند، وضعیت رژیم تحت الحمایه - شوروی در کابل بطور به افزایشی به سوی تزلزل و بی ثباتی رفته. و دورنمایی که این رژیم بدون حمایت مهم نظامی از سوی اتحاد شوروی جان بدر ببرد به طور زیر سوال میرفت. بنابراین، آمادگی نیروهای شوروی برای یک دخالت مهم نظامی به طور روز افزونی همزمان ایکه برای چنین عمل افزایش می یافت. و همه ی معلومات راجع به آمادگی های نیروی شوروی و بدتر شدن وضعیت داخلی افغانستان کاملاً در نشریات یومیه استخباراتی

هیچ یک از این اقدامات برای توجیه چنان یک قضاوتی (مبنی بر اینکه) دخالت نظامی غیر قابل اجتناب ناپذیر بود، بسنده نه . هر چند، نیک و بد (آن) و صافی ( ) تیوری ها در مورد اینکه رهبران شوروی گزینه های شان را چه طور ارزیابی (سنجش، رده بندی) می کردند، یقیناً شواهد می بایست نگرانی خطیری را توجیه (تضمین) می کردند که دست کم یک حقیقی ای وجود داشت مبنی بر این که شوروی ها شاید آنچه را انجام بدهند که خودشان را برایش آماده کرده اند.

با اینکه، تحلیل گران بیشتر نتیجه گیری کرده بودند، که عملکرد نظامی در راستای خطوط توسط آمادگی های نیروی شوروی نامحتمل بود. یک ارزیابی کلیدی، در واقع، بخصوص آن (عمل کرد نظامی) را به حیث گزینه ای شناسائی کرده بود که مسکو شاید خواهان تقبل آن نه . اطلاعاتی استخباراتی بین سازمانی از طبقه بندی بیرون شده حاکی بود که هرگونه داخل کردن نیروهای شوروی مورد تردید بود. قضاوت جامعه استخباراتی این بود که اگر مسکو واحدهای رزمی مداخله نماید، آنها شاید یک یا دیگر سوی یک بدین کار دست بزنند. (طوریکه) در یک سوی احتمالی ترین این - شاید یک عملیات محدود از سوی گردانهای قلیل العده واحد یک فرقه هوای یا چیزی شبیه آن باشد، که پله به پله ی تقویت امنیت انجام بگیرد و چه بسا که دست به اندک عملیاتی احتیاط آمیز (نیز) بزند. مطابق ارزیابی جامعه استخباراتی، "هرکاری و رای آن"، - سوی دیگر - یک نیروی چندین فرقه ای خیلی بیشتر از حد چهار فرقه در ناحیه نظامی همسرحد افغانستان خواه .

در نتیجه هر عملیاتی در وسط این دو ، شامل دو یا سه فرقه زمینی و یک یا دو فرقه هوایی، عیناً در ارزیابی های استخباراتی قرار گرفته عملاً غیرمحمتم شمرده شده بود. به حیث یک پیامد، آمادگی های مشاهده شده از این لحاظ سنجش نه شده بودند که هدف شان چیست، بلکه از این منظر سنجش شده بودند که چه طور می توانند با آنچه توقع برده می شد تطابق داشته باشند. ( این آمادگی با آنچه توقع برده می شد جور در نیامد. (از میان پلوملی برآمد.خ)

این کار یقیناً بخاطری نبود که تحلیل یا قضاوت ها در (گرایش) شوروی به یک ترتیبی از معیار کارائی خیلی دور بودند. برعکس، اسناد کنون در دسترس پذیر از آرشیو های شوروی نشان میدهند که هزینه های سیاسی بطوریکه تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده به مثابه اعمال یک تأثیر پیش گیرانه روی حرکت شوروی دید همان دست استدلال هائی بودند که توسط چندین مقامات ارشد شوروی برای مخالفت یا دست کم زیر سوال دخالت نظامی برجسته شده بودند. های معتبر و مؤثقی از سوی افسران شوروی وجود دارند (دال براین) که اکثریت برنامه ریزان مسلکی نظامی هم علیه مداخله قرار داشتند. غامض بودن مسئله نظامی خیلی شبیه محاسبات تحلیل گران در واشنگتن بود، و برنامه ریزان نظامی شوروی با تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده تشریح نظر داشتند که اگر ارتش مجبور به مداخله گردد، این کار بایست با یک نیروی چندین فرقه ای انجام گیرد. یکی از شوخ طبعی (جوک) های دل تنگ کننده که در ماه های بعد از اشغال حول سی آی ای (CIA) دور میزد این که لیل آن را بدرستی فهمیده، و این (گویا) شوروی ها بودند که قضیه را غلط درک کرده بودند. (!)

کسانی که عمل کرد استخباراتی را مطالعه و بررسی کرده این کار را به حیث واضح کننده (عودکننده/ بازگشتی) ترین دام (تله) برای تحلیل گران می دانند. طوریکه مطالعات زیادی برجسته ساخته اند، این دام برای تحلیل گران استخباراتی منحصر به فرد یا بی نظیر . 157 یکی از بخش های آن را شاید بتوان "چهارچوب" (چوکات) نامید. یعنی همین که یک مودل عقلانی برای اینکه متغییرها احتمالاً چه طوری شود بازی هریک معلومات جدید در مطابقت با اجزای این مودل سنجیده (توزین) می شوند. احتمال خیلی بعید شواهد ( ) همخوان در جای دیگر تشریح و توضیح شوند نسبت به اینکه برای زیر سوال بردن صحت مودل استفاده شوند. در این صورت، اقدامات اتخاذ شده (آمادگی های نظامی) بقدری که نتیجه گیری ها برای تعبیر و تفسیر اقدامات مورد می گرفتند، برای تعبیر و توجیه قصد و منظور استفاده نمی شدند.

این کار همچنان شکست بطور عام برجسته شده ی پرزنتیشن تحلیل را شرح و بیان می نماید بیشتر راجع به آنچه که سایر کنش گران تصمیم خواهند گرفت سواى آنچه که از سوی خود آن کنشگران (مخفی) نگهداشته شده . محدودیت بایگانی های منتشر شده ی نشست های شوروی هرچه باشند، یک چیزی را که آنها به وضاحت نشان میدهند عبارت است از اینکه "تصمیم" برای اعزام نیروهای رزمی از سرآغاز (تکوین) اش در ماه مارچ تا به اجرائی آستانه کریسمس یک کار در حال پیشرفت بود. (هیچگاهی دچار توقف نه شده بود.خ)

در عین زمان، نا عادلانه خواهد بود فشار هائی را روی استخبارات یا برای ابراز قطعیت بیشتر - با شواهد تصدیق و توجیه - یا پرداختن (تقبل/ ) به تعلل و بهانه جوئی احتیاط آمیز تصدیق نه کرد. واضحاً، در یک زمانی که دیتاننت به چالش مواجه بوده و چنین معلوم می شد که معاهده سالت II (SALT II) در رابطه با سنا در یک وضعیت تهدید - موجودیت قرار داشت، اتهاماتی از این دست که مسکو آنچه به حیث دخالت نیابتی اش در اتیوپیا تلقی می شد شرف دست یازیدن به یکی دیگر از تجاوز و تهاجم آشکار جهان سومی چیزی نبود که اکثریت مقامات پالیسی ساز ایالات متحده خواهان آشکار شدن ناگهانی آن می بودند. طوریکه صورت جلسه 17 دسمبر نشان میدهد، حتی در تاریخ دیر هنگام ، و بامقداری شواهد دست داشته، مقامات پالیسی ساز توافق کردند " برای رفتن به افکار عامه در این زمان مفادی نبود". بازاندیشی (مال اندیشی) این شاید درست بود، اما عمدتاً بخاطری که آنها شاید در آن مرحله (بازهم) در تلاش بودند تا ترنی را متوقف نمایند که ایستگاه را ( ) ترک نموده بود.

گمانه زنی راجع به آنچه که، اگر چیزی باشد، (گویا) عملکرد سیاست مدارانه (مصلحت اندیشانه) که از پرزنتیشن نیرومند تر استخباراتی ناشی می شود، اینکه تأثیراتش هرچه می توانست باشد، به بین حقایق گذاشته می شود. عده ای در جامعه استخباراتی که فکر میکردند که آخرین شانس طلائی برای چنین پرزنتیشن - فرصت از دست رفته - کشف مؤرخ 10 با انتقال یک گردان موتوربیزه تفنگ دار به بگرام . یک گردان دیگر هوارد نیز در بگرام کشف شده بود، دو فرقه در نزدیکی های سرحد در حال بسیج بوده و تعدادی عساکر خاص دزدانه

کابل شده بودند. با در نظر گرفتن وسعتی که پلان دخالت (حتی) از بسیاری اعضای بیرونی سیاسی مخفی شده بود، ممکن علنی شدن شاید باعث مقداری دشواری هائی برای آنانی در مسکو می شد که توطئه را طرح کرده بودند. به علت حوادثی که داشتند در دنیا رخ میدادند در بهترین حالت این امر غیر محرز است - سازشنامه در اروپا برای استقرار نسل جدیدی از موزائیک های میان برد ایالات متحده - امری که شاید بخوبی شوروی ها را متقاعد کرده بود که دیتانتت قبلاً در حال کسادی و شکست بود.

ای چه بسا که ممکن بود امین را در حالت آماده باش بیشتر قرار داد، ونیز (گزینه) پیشکش استدلال های اضافی برای طراحان مسلکی نظامی شوروی و اعضای بیرونی سیاسی که مخالف دخیل این بابت ارزش خاطر نشان کردن را که تکذیب پر خاش امیز از سوی مسکو به تاریخ 23 دسمبر، در جواب به انشتار تصاویر استخباراتی از سوی حکومت کارتر در یک روز قبل ، احتمالاً به حدی از روی سادگی تنظیم نه شده بود که توقع برده می شد آنها شاید از سوی هر کسی باور کرده می شد . و تکذیب با ( ) قطعیتی کامل رخداد که در ظرف 24 48 ساعت این به جهانیان آشکار که آنها (عکس ها) مفادی که در بیشترین مسکو می توانست از آنها بدست آورد عبارت از مقدار کمی کتمان (اختفای) غافلگیری تاکتیکی راجع به صحنه و منظره عملیاتی (در پیش روی) .



قصر سفید (نرئینی)

با وجود اینکه ناچیز بودن شانس یک نیرومند وقوی علنی از سوی واشنگتن تقریباً در 11 دسمبر می توانست یک اندازه کارسازی داشته که 17 دسمبر یا گر همائی جامعه استخباراتی برای تسوید آنچه که اطلاعیه اعلام خطر راجع به افغانستان تدویر شد؛ احتمالاً کار از کار گذشته بود. تحلیل گران استخباراتی می توانند به این حقیقت اشاره نمایند که اینها مقامات پالیسی ساز را کرده بودند که شوروی ها آمادگی ها را برای یک حرکت نظامی تکمیل کرده و اینکه بعضی حرکت (ها) - گرچه نه آن حرکاتی که انجام گرفته است - یب الوقوع بود(ند). تا 19 حینی که اطلاعیه اعلام خطر بلاخره ، دخالت شوروی - به تعبیر بعدی یک افسر (NSC) - "یک سپورت تماشائی" بود. ایالات متحده می توانست از (موضع) دفاعی سروصدای زیادی راه بیاندازد، اما (این سروصداها) روی میدان بازی دارای تاثیر چندانی نبودند. اینکه می بایست تا به روند دیگر بازی بزرگ انتظار کشید.

-----

پایان قسمت 11 / ادامه دارد.....

[151. This English translation appears in CWIHP Bulletin 4 \(Fall 1994\), p. 76. A photocopy of the Russian-language original appeared in "Secret Memos Trace Moscow's March to War," by Michael Dobbs, \*The Washington Post\*, 15 November 1992, p. 1.](#)

[152. Three accounts which benefit from interviews and reviews of a wide spectrum of former Soviet sources are Garthoff, \*Détente and Confrontation\*, pp. 106-1017; Cordovez and Harrison, \*Out of Afghanistan\*, pp. 48-49, and Odd Arne Westad, "Concerning the Situation in 'A:' New Evidence on the Soviet Intervention in Iran," \*CWIHP Bulletin\* 8-9, p. 131. The nine signatures under the original 12 December 1979 date were Andropov, Ustinov, Gromyko, Pelshe, Suslov, Kiriolenco, and Chernenko. Brezhnev's signature is scrawled at the bottom, rather than in the space provided for his official signature.](#)

153. See Wested, op. cit., citing General Varennikov's description given at the Nobel symposium in the fall of 1995, and Anatoly Dobrynin, *In Confidence* (New York: Random House, 1995), pp. 437-438.

154. Descriptions of much of this more-recent testimony and literature from former Soviet officials can be found in the extensively researched and sourced presentations of Cordovez and Harrison, *Out of Afghanistan*, pp. 45-49; Garthoff, *Détente and Confrontation*, especially pp. 1010-1018; Welch and Wested, *The Intervention in Afghanistan, Oral History...* (Nobel Symposium 95), and Wested's summary in "The Soviet Union and Afghanistan," *CWHIP Bulletin* 8-9, especially p. 131. Also see Dobrynin, *In Confidence*, pp. 437-439.

155. The intelligence descriptions are given in detail in the preceding text. The timing of Akhromeyev's arrival at Termez is described in the article by former Soviet General Merimsky, cited above, footnote 147, and also in accounts of discussions at the 1995 Nobel symposium, in Wested, "The Soviet Union and Afghanistan," *CWIHP Bulletin* 8-9, p. 131.

156. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 39-40 and 62-63. Various accounts of perceptions at the time are presented in such memoirs as Brzezinski, *Power and Principle*, pp. 426-429 (He was inclined to a more-ominous interpretation of the preparations than were most intelligence analysts); Vance, *Hard Choices*, pp. 385-388, and Gates (who was on Brzezinski's staff at the time), *From the Shadows*, pp. 133-134. The views of NSC staff officers described here were expressed to the author at the time.

157. See for example, Richards J. Heuer, *Psychology of Intelligence Analysis* (Center for the Study of Intelligence, Central Intelligence Agency, 1999), and Chapter 2.